



هفته‌نامه آینه در آینه ۲

پانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر

پانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر



♦ ناشر: مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر

♦ زیر نظر: سید عباس میرهاشمی

♦ سردبیر: علیرضا کیوانی‌نژاد

♦ تحریریه: سارا صادقی، مریم حضرتی، رعنا حسینی، مریم

پرورش، محمد سلطانی، رضا تقوی و حسین مرادی

♦ صفحه‌آرا و طراح گرافیک: بهار خرسند

♦ عکاسان: ضیا کاتابیری، سمیه ارزانی

♦ لیتوگرافی، چاپ و صحافی: آندیا گرافیک

بهمن ۱۴۰۱

fajrtajasomi.ir





فهرست

- ۳.....♦ **سرمقاله:** قاب‌بندی خاص
- ۴.....♦ **گزارش:** از همه عکاسان تشکر می‌کنم
- ۷.....♦ **نگاه:** تپش سبز به روایت نگاتیو
- ۹.....♦ **گزارش:** صبور، بی‌ادعا و موثر
- ۱۲.....♦ **گفت‌وگو:** بیننده خود را در متن صحنه احساس می‌کند
- ۱۴.....♦ **گزارش تصویری:** آینه در تصویر
- ۱۶.....♦ **گفت‌وگو:** آثار آینه در آینه ۲، گنجینه‌های تصویری انقلاب هستند
- ۱۹.....♦ **یادداشت:** قصه در قصه
- ۲۰.....♦ **گفت‌وگو:** رویکرد فرهنگی می‌تواند محصولات هنری را از تخریب نجات دهد
- ۲۳.....♦ **یادداشت:** اوست تصویرگر یگانه
- ۲۵.....♦ **یادداشت:** روایتی آشنا در آینه تصویر
- ۲۸.....♦ **یادداشت:** سواد عکاسی جامعه را ارتقا دهیم





سرمد

قاب بندی خاص



♦ محمدرضا کائینی ♦
نویسنده و تاریخ پژوه

یکی از رهیافت های تاریخی ما به وقایع عکاسی هایی است که از آن واقعه صورت گرفته است. از زمانیکه عکاسی به ایران آمد طبیعتاً به دلیل گرانی اول در اختیار شاهزادگان و دربار بود. به مرور که در میان مردم پخش شد متعاقباً تصاویری هم از نحوه زیست آنها به تاریخ سپرده شد اما در دنیای کنونی به رغم تنوع رسانه ها و نحوه گوناگون گزارش وقایع همچنان عکس ها در شناخت تاریخ گذشته جایگاه خود را حفظ کرده اند و عکس خوب همچنان یکی از پربیننده ترین پدیده ها در رسانه هستند. با توجه به اینکه سلیقه مردم نیز بصری شده است و زیاد وقت و حوصله خواندن ندارند شاید عکس جایگزین کتاب مکتوب نیز بشود. شناخت من از مرحوم قربان خلیلی هنگام انتشار ویژه نامه مجله شاهد یاران برای عکاسخانه انقلاب در دهه ۸۰ برمی گردد. در آن شماره علاوه بر انتشار آثاری از او مصاحبه ای هم با فرزندش شهرام خلیلی هست که در آن به طور مبسوط خصایل و ویژگی های کار عکاسی پدر و همچنین نقش او در ثبت وقایع انقلاب بیان شده است.

آنچه فی الجمله در این مجال می توانم بگویم این است که مرحوم خلیلی یکی از عکاسان شاخص وقایع انقلاب بود. برای روزنامه کیهان کار می کرد و بعضی عکس هایش به عنوان نمادهای انقلاب درآمد. از جمله عکس معروف نزن سرباز که سربازی را در

حال شلیک به یکی از انقلابیون نشان می دهد. ثبت لحظاتی که قربان خلیلی در آن حضور داشت با مخاطرات فراوانی همراه بود. اساساً عکاسی از صحنه های انقلاب با توجه به اینکه مردم مظنون بودند که نکند آن فرد از عوامل ساواک باشد، بسیار دشوار بود. ویژگی تصاویر مرحوم خلیلی صرف نظر از چند موردی که خیلی معروف شد، تنوع حضورش در صحنه های انقلاب بود. اگر به آثارش دقت کنیم او هم در درگیری ها و تظاهرات و هم در حضور نظامیان و در روز ورود رهبر کبیر انقلاب، در بهشت زهرا و مدرسه علوی حضور داشته است. عکاسان انگشت شماری هستند که توانسته اند بیشتر صحنه های انقلاب را ثبت کنند اما به جرئت می توان گفت قاب بندی خلیلی از وقایع انقلاب جامع است و این از محسنات کار اوست و من امیدوارم روزی تمام عکس های قربان خلیلی در قالب یک مجموعه نفیس منتشر شود. اگر آثار او به صورت مجموعه جمع آوری شود قدر او در ثبت وقایع انقلاب بیشتر دانسته می شود. قطعاً جشنواره هنرهای تجسمی امسال و نمایشگاه آینه در آینه ۲ که به معرفی آثار خلیلی پرداخته شد حرکتی قابل تقدیر است اما برای حق مطلب کافی نیست. بهترین کار علاوه بر برگزاری نمایشگاه ها، چاپ مجموعه آثار هنرمندان در قالب کتاب های نفیس با قطع مناسب و در خور است ♦



گزارش

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم افتتاحیه نمایشگاه آینه در آینه ۲:

از همه عکاسان تشکر می‌کنم

♦ رعنا حسینی ♦

آئین افتتاح نمایشگاه هنری «آینه در آینه ۲» با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد. این نمایشگاه به‌عنوان یکی از بخش‌های پانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر برگزار می‌شود و در مراسم افتتاحیه علاوه بر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمود سالاری (معاون امور هنری)، عبدالرضا سهرابی (مدیرکل هنرهای تجسمی)، سیدعباس میرهاشمی (دبیرکل پانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر)، عبادرضا کولایی (رئیس موزه هنرهای معاصر)، امین مؤیدی (مشاور برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی معاونت امور هنری)، محمد حسین حیدری (مدیر انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس)، مجتبی کوچکی (کیوریتور نمایشگاه آینه در آینه ۲)، سید احسان باقری (مدیر خانه عکاسان ایران) و چهره‌های دیگری چون عباس مشهدی‌زاده، حسین عصمتی، حسین نوروزی، سعید فلاح‌فر، همسر و فرزند زنده‌یاد قربان خلیلی عکاس انقلاب و غیره حضور داشتند....

در این مراسم، محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن گرامیداشت یاد و خاطره قربان خلیلی گفت: «به بهانه تجلیل مرحوم خلیلی، لازم است از تلاش‌های همه عکاسان که با وجود سختی‌های بسیار، در سرما و گرما با مراسم‌های مختلف همراه هستند و لحظات ماندگاری را در تاریخ ثبت می‌کنند، تشکر کنم.» اسماعیلی خاطر نشان کرد: «امروز بیش از هر زمانی قدر کار مهم زنده‌یاد خلیلی را می‌دانیم؛ کمالینکه در سال‌های آینده نیز بیش از امروز ارزش این آثار دانسته خواهد شد.»

در بخش دیگری از این مراسم، مجتبی کوچکی کیوریتور نمایشگاه «آینه در آینه ۲» با اشاره به جایگاه زنده‌یاد خلیلی گفت: «تا میانه دهه ۸۰ جز همکاران نزدیک مرحوم خلیلی، هیچ‌کس او را نمی‌شناخت. ما سه عکس معروف و تأثیرگذار از سال‌های آغازین انقلاب اسلامی داریم که بر روحیه مردم تأثیر گذاشته و می‌توان گفت که هر سه عکس کار روزنامه کیهان بوده است. یکی از این عکس‌ها متعلق به مرحوم عبدالحسین پرتوی و دو عکس دیگر متعلق به زنده‌یاد قربان خلیلی است.»

در این مراسم، محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن گرامیداشت یاد و خاطره قربان خلیلی گفت: «به بهانه تجلیل مرحوم خلیلی، لازم است از تلاش‌های همه عکاسان که با وجود سختی‌های بسیار، در سرما و گرما با مراسم‌های مختلف همراه هستند و لحظات ماندگاری را در تاریخ ثبت می‌کنند، تشکر کنم.» اسماعیلی خاطر نشان کرد: «امروز بیش از هر زمانی قدر کار مهم زنده‌یاد خلیلی را می‌دانیم؛ کمالینکه در سال‌های آینده نیز بیش از امروز ارزش این آثار دانسته خواهد شد.»



مفقود شده است و همه باید کمک کنیم تا عکس‌های او پیدا شود. مرحوم خلیلی مظلوم واقع شده است و امیدوارم آقای وزیر کمک کنند و بتوانیم سایر کارهای این عکاس را هم بباییم. اکنون ۵۷ فریم از عکس‌های خلیلی موجود است که من همه آنها را به موزه هنرهای معاصر آورده‌ام و در پایان باید بازگردانم؛ زیرا تک‌نسخه هستند و از روی آنها کپی گرفته شده است.»

در بخش دیگری از این مراسم، سیدعباس میرهاشمی دبیرکل پانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر در سخنانی به نحوه شکل‌گیری بخش «آینه در آینه» اشاره و بیان کرد: «سال گذشته در جریان برگزاری چهاردهمین جشنواره هنرهای

او درباره اختصاص دومین دوره از نمایشگاه «آینه در آینه» به عکس‌های قربان خلیلی افزود: «اگرچه زنده‌یاد خلیلی فریم‌های کمی را از سال‌های آغازین انقلاب به ثبت رسانده و شاید دلیلش این باشد که او کارمند جایی نبود و به عنوان عکاس آزاد فعالیت می‌کرد، با وجود این، او با همین فریم‌های اندک نیز شاهکار آفریده است. خلیلی از شهرپور تا اسفند ۱۳۵۷ عکاسی کرده و مجموعاً ۱۲۴۱ فریم را به ثبت رسانده است. نکته دیگر این است که او هیچ‌گونه تحصیلات آکادمیکی در حوزه هنر نداشته و عکاسی را به شکل خودآموز فراگرفته است.»

کوچکی یادآور شد: «متأسفانه آثار زنده‌یاد خلیلی



است خود را به‌روز نگه دارد، خاطرنشان کرد: «نگاه مدیریت فعلی موزه بر حوزه پژوهش استوار است و هم‌اکنون ۱۵ عنوان کتاب در دست چاپ قرار دارند.» در ادامه این مراسم، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همراه با هیأت همراه از بخش‌های مختلف نمایشگاه بازدید کردند. نمایشگاه «آینه در آینه ۲» تا پایان روز ۲۰ فروردین ماه ۱۴۰۲ پذیرای عموم بازدیدکنندگان خواهد بود. این نمایشگاه امتداد «آینه در آینه ۱» است که سال گذشته در قالب بخشی جدید، به جشنواره هنرهای تجسمی فجر افزوده و با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد. ♦

تجسمی فجر، یک کار پژوهشی را با محوریت نقاشی انقلاب اسلامی آغاز کردیم و امسال محور کار را روی عکاسی قرار دادیم. جشنواره هنرهای تجسمی فجر امسال، پانزدهمین دوره خود را طی می‌کند و تلاش کرده است دامنه کاری خود را در استان‌ها و نیز در حوزه‌های پژوهشی گسترش دهد. امیدوارم در دوره‌های آینده جشنواره بتوانیم فصل سوم و چهارم «آینه در آینه» را نیز داشته باشیم و همه فعالیت‌های ما مفید و پژوهش‌محور باشد.»

در بخش دیگری از این مراسم، کولایی رئیس موزه هنرهای معاصر با بیان این نکته که موزه توانسته



تپش سبز به روایت نگاتیو



خلف عکاسی ایران بود که ناگهان در عرصه اجتماعی ما در متن حوادث انقلاب متولد و سپس به سرعت محو شد. مهم نیست که پس از انقلاب چند سال به طور فیزیکی زیست. از کارشناسان عکس‌های دوره انقلاب همین نقل قول کافی است که می‌گویند او گزارش زمان خود را به تاریخ داده است. کافی است بی‌حب و بغض و منیت، عکس‌های او را مرور کنیم. کمتر عکاسی را می‌توان یافت که در عمر عکاسی خود توانسته باشد دو عکس تاریخی و ماندگار گرفته باشد، اما قربان خلیلی این کار را کرده است. بدون شک عکس‌های او اسنادی غیرقابل انکاری از بخشی از مهم‌ترین دوره تاریخی کشور ایران است. خلیلی عکس‌های زیادی در زمینه‌های ورزشی، اجتماعی، اماکن تاریخی و خبری از خود بر جای گذاشته است. در این زمینه او با روزنامه‌ها و مجلات متعددی همکاری داشته است. اما عکس‌های مربوط به انقلاب که اغلب در این مجموعه گرد آمده است از مهم‌ترین آثار او به شمار می‌آید که در آن زمان در بیشتر روزنامه‌های معتبر کشور به چاپ رسیده است.

خلیلی در یکی از محله‌های جنوبی تهران متولد شد و در دوران نوجوانی خود به دلیل علاقه‌مندی به

کتاب تپش سبز کتابی است که انتشارات سوره مهر آن را در ۱۳۸۳ منتشر کرده است. این کتاب مجموعه عکس‌های قربان خلیلی است که در ۲۶ صفحه با عکس‌های سیاه و سفید به چاپ رسیده است. عکس‌های این مجموعه بدون تردید عکس‌های بی‌نظیری از قربان خلیلی است که بی‌ادعا اسناد تاریخی با ارزشی از زمان خودش را به یادگار گذاشت. قربان خلیلی با عکس‌هایی که از حوادث انقلاب گرفت خود گزارشی شد برای تاریخ. همان‌طور که اگر سه عکس از حوادث انقلاب در تاریخ معاصر ما مانده باشد غیر از عکس ملاقات همافرها با امام، عکس نزن سرباز، و سخنرانی امام (ره) در روز ورود به بهشت زهرا متعلق به اوست که در این مجموعه آورده شده است. عکس اول که در اوج حوادث انقلاب در روزنامه اطلاعات به چاپ رسیده و لحظه شلیک گلوله توسط یک نظامی به سوی شخصی در کنار دیوار را نشان می‌داد، تأثیر فراوانی داشت بر تفکر اجتماعی مردم مبنی بر اینکه ارتش رژیم چگونه با مردم بی‌سلاح روبه‌رو می‌شد.

عکس‌های مرحوم قربان خلیلی هیچ پیام روشنفکرانه‌ای برای مخاطب ندارد. خلیلی فرزند



عکس‌های انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ اشاره کرد. قربان خلیلی پس از سال‌ها فعالیت حرفه‌ای و برگزاری چندین دوره نمایشگاه عکس داخلی و خارجی و کسب موفقیت در مسابقه‌های مختلف، با نارسایی کلیوی مواجه شد و به دلیل سرعت پیشرفت بیماری، رفته‌رفته امکان عکاسی‌اش به حداقل رسید ولی قطع نشد. این عکاس هنرمند سرانجام در اثر همین بیماری در ۵۱ سالگی درگذشت ♦

عکس و عکاسی بارها کردن تحصیل در ۱۵ سالگی به کار در یک آتلیه عکاسی مشغول شد. در این دوران که از استادان صاحب نام به آموختن دوربین و سیستم ظهور نگاتیو چاپ عکس و غیره مشغول بود از اماکن تاریخی و فرهنگی، اجتماعی، ورزشی و خبری عکس‌های خوبی گرفت و همین سبب شد که او را در این حرفه بیش از پیش بشناسند. از اهم موضوع‌های شاخص این عکاس می‌توان به





گزارش

روایت پسر از پدر

صبور، بی ادعا و موثر

♦ شهرام خلیلی ♦

مرحوم قربان خلیلی (پدرم) در سال ۱۳۲۶ در محله خانی آبادنو (محله مرحوم تختی) در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. او در سال ۱۳۴۰ در ۱۴ سالگی به دلیل علاقه به امور هنری تحصیل را رها کرد و در یکی از آتلیه‌های عکاسی مشغول شد دوران فراگیری هنر و فن عکاسی او با قیام ۱۵ خرداد ۴۲ مصادف شد و تجربه بزرگی را کسب و خود را برای رویدادهای بزرگ‌تر آماده کرد. او در آن دوران دوربین حرفه‌ای نداشت و نتوانست از این رخداد مهم عکس‌های شاخصی بگیرد و فقط چند اثر از او به‌جا مانده است...

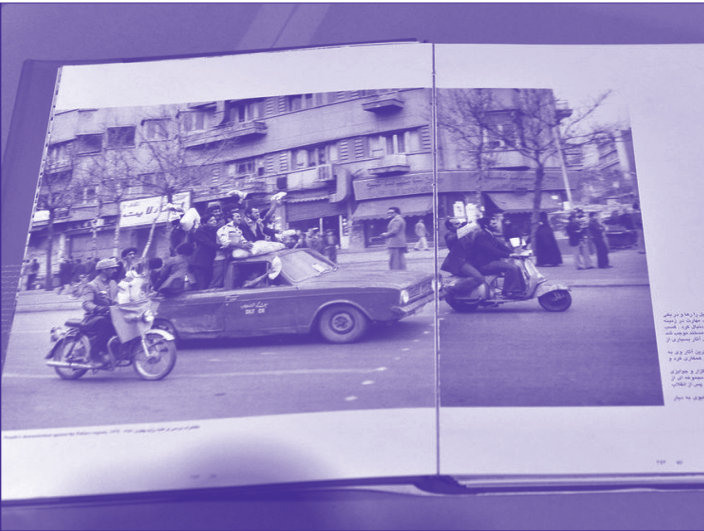
عکس گرفت که ماموران متوجه شدند و زمان گرفتن نگاتیوها از او به‌شدت آزارش دادند. او همچنین توانست از لحظه دستگیری یکی از مبارزان توسط رژیم شاه در حالی که او نارنجکی را به خود بسته و منفجر کرد و همراه با خود چند تن از ماموران را نیز از پای درآورد، عکس بگیرد.

با آغاز مبارزات مردم ایران علیه رژیم ستمشاهی، مرحوم خلیلی به این حرکت عظیم پیوست و توانست با عکس‌های بی‌بدیش تاثیر شایان توجهی بر این حرکت مردمی داشته باشد. قدرت غیرقابل انکار عکس‌های انقلاب در تهییج افکار عمومی و تاثیر آن بر مسائل سیاسی نکته‌ای است که هیچ انسان منصفی نمی‌تواند انکار کند. جسارت، شجاعت، مردمی بودن و قدرت بالای حرف‌های او موجب شد که در انعکاس رویدادهای انقلاب نقش شایسته‌ای ایفا کند.

شور و هیجان جوانی باعث شد که مرحوم خلیلی به سوی عکاسی مطبوعات کشیده شود و در سالیانتمادی تجربه‌های فراوانی از به تصویر کشیدن محیط پیرامونش کسب کند. در این دوران با نشریه‌های هنری، سینمایی و اجتماعی همکاری داشت و آثار فراوانی از او در زمینه‌های مختلف در آرشیوشان موجود است.

مرحوم خلیلی با وجود جوانی با شجاعت بی‌نظیری از رویدادهای خرداد ۴۲ عکاسی کرد که متأسفانه به دلیل شرایط نامطلوب نگهداری نگاتیوها در منزل، یک‌بار که منزل ما را آب برداشت بخش زیادی از این تصاویر و نگاتیوهای با ارزش دیگر از بین رفتند.

ابراهیمی یکی از دوستان مرحوم خلیلی از عکاسان دوره انقلاب، نقل می‌کند که او از لحظه دستگیری مرحوم تختی و ضرب و شتمش توسط ساواک هم



عکاسی خبری ایران تا قبل از حوادث انقلاب عمدتاً محدود به خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های دولتی بود که بیشتر از جلسات و ملاقات‌ها و سخنرانی‌های مقامات عکس‌های شسته‌رفته می‌گرفتند و کم بودند عکاسانی که با درکی درست از توانایی‌های ذاتی تصویر به ثبت واقعیت‌های اجتماعی و مسائل مردم می‌پرداختند.

با وجود این پیش‌زمینه ضعیف از عکاسی اجتماعی در ایران، به زعم من با حضور عکاسان زنده‌ای چون مرحوم خلیلی، عکاسی انقلاب از شأن بسیار بالایی در عکاسی برخوردار شد. ذهن جمعی مردم ایران به نوعی با عکس‌هایی که از رویدادهای انقلاب گرفته شده‌اند، پیوند خورده است.

صرف‌نظر از عکس‌های زیادی که آن روزها توسط عکاسان غیرحرفه‌ای و تظاهرکنندگان از حوادث و کشته‌شدگان گرفته شدند، تعداد عکاسان حرفه‌ای ایران که رویدادهای انقلاب را به تصویر کشیدند، در مقایسه با سیل عکاسانی که در سال‌های اخیر پس از هر حادثه‌ای به سوی محل وقوع آن هجوم می‌برند، تقریباً هیچ است. با این همه همین محدود عکاسان مجموعه‌ای حیرت‌آور و شگفت‌انگیز از اسناد تاریخی برای کشور ما ثبت کرده و به یادگار گذاشته‌اند.

جایگاه عکس در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ همچون دیوارنوشته‌ها و شب‌نامه‌ها و عناصر دیگر نبوده است و عکاسان انقلاب با فداکاری و از جان گذشتگی دوشادوش مردم در صحنه‌ها حضور داشتند و به ثبت این حادثه عظیم قرن پرداختند.

از میان عکاسان دوران انقلاب سه نفر به دلیل عکس‌های بسیار تاثیرگذارشان بیشتر در اذهان مانده‌اند؛ حسین پرتوی با عکس ملاقات همافرها با حضرت امام (ره)، عباس ملکی با عکس میدان شهدا و مرحوم قربان خلیلی با عکس سرباز که چاپ آن موجب خشم عوامل رژیم شد و در مجلس سنا از آن به‌عنوان مونتاژ خبری نام بردند. چاپ این عکس شور انقلابی مردم را تشدید کرد و خطرات فراوانی را برای مرحوم خلیلی و خانواده‌اش به همراه آورد. عوامل



رژیم تلاش فراوان کردند تا اثر این عکس را در جامعه از بین ببرند اما خوشبختانه در این امر توفیقی نیافتند. مرحوم خلیلی پس از ورود امام(ره)، در مدرسه علوی نیز حضوری چشمگیر داشت. او نقل می‌کرد با آنکه امام او را مورد تفقد قرار دادند اما هربار که در برابر ایشان قرار می‌گرفت جاذبه حضور امام و به خصوص نگاه بسیار نافذشان مانع از آن بود که بتواند از مشکلاتش با ایشان سخن بگوید.

نکته جالب توجه این است که در بسیاری از عکس‌هایی که از دوران انقلاب به جا مانده‌اند عکاسان خارجی در حال فرار دیده می‌شوند، در حالی که عکاسان دوره انقلاب عملکردی نظیر عکاسان دفاع مقدس داشتند و هرگز صحنه مبارزه را ترک نکردند. مرحوم خلیلی نقل می‌کرد که بسیاری از شب‌های انقلاب را در کوچه‌پس‌کوچه‌ها و خیابان‌ها و داخل جوی آب به صبح رسانده و پنهان شده بود تا بتواند صحنه‌های مهم انقلاب را ثبت کند. همین امر عشق و علاقه و روحیه دینی و ملی او را به شایستگی نشان می‌دهد.

او در این روزها نیز از لطف مأموران ساواک بی‌بهره نماند و به جرم شهامت و جسارتی که در ثبت صحنه‌های جنایت رژیم از خود نشان می‌داد، مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفت و کلیه‌هایش صدمه دیدند که نهایتاً منجر به از کار افتادگی کلیه‌ها و ۱۵ سال رنج دیالیز شد. هنگامی که هزینه‌های سنگین درمان و تهیدستی را به این مجموعه بیفزاییم، اوج دردمندی او را بهتر درمی‌یابیم و انصافاً اگر پایمردی و صبر بی‌بدیل مادرم نبود، نه پدر این همه دوام می‌آورد و نه من و خواهرم سرنوشت مطلوبی پیدا می‌کردیم. مادرم که خود خواهر دو شهید انقلاب و دفاع مقدس است به رغم همه نامهربانی‌ها و بی‌توجهی‌ها این وظیفه دشوار را به تنهایی به عهده گرفت.

عکس‌های مرحوم قربان خلیلی مجموعه‌ای بی‌نظیر از کسی است که بدون کوچک‌ترین ادعایی بخشی از ارزشمندترین اسناد تاریخی را از دوران انقلاب به یادگار گذاشته است. او با عکس‌های

جسورانه‌ای که از حوادث انقلاب گرفت به شایستگی در تاریخ باقی ماند؛ هر چند پس از پیروزی انقلاب از دست ارباب جراید رنج فراوان کشید و سلامتی روحی و روانی او در معرض خطر قرار گرفت و ناچار شد از مطبوعات فاصله بگیرد و صرفاً به عکاسی آتلیه‌ای بپردازد.

غیر از عکس نزن سرباز عکس سخنرانی امام در روز ورود به بهشت زهرا نیز از شهرت فراوانی برخوردار است. عکس‌های شادروان مرحوم خلیلی حاوی هیچ پیام روشنفکرانه‌ای برای مخاطب نیست. او فرزند خلف عکاسی ایران بوده که در عرصه عکاسی اجتماعی ما و در متن حوادث انقلاب زاده شده و همچون شهابی درخشان همانگونه که به سرعت آمد شتابان نیز درگذشت. عکس‌های او از انقلاب از مهم‌ترین آثارش هستند که بارها در روزنامه‌های معتبر کشور چاپ شده‌اند. این مهم نیست که او چند سال زیست عکس‌های او به اندازه کافی گویای تأثیرگذاری او بر روند انقلاب هستند. کمتر عکاسی توانسته است در عمر عکاسی خود تا بدین پایه عکس‌های ماندگار و تأثیرگذار بگیرد، عکس‌هایی که بی‌تردید جزو اسناد غیر قابل انکار مهم‌ترین دوره تاریخی هستند.

مرحوم قربان خلیلی در دوران فعالیت حرفه‌ای‌اش نمایشگاه‌های متعددی را برگزار و جوایز داخلی و خارجی گوناگونی را دریافت کرد. او پس از ابتلا به بیماری کلیوی و تحمل سختی‌ها و مشقات فراوان و در اوج تنگدستی در آبان ۱۳۷۷ در ۵۱ سالگی پس از تحمل رنج ۱۵ ساله دیالیز دار فانی را وداع گفت.

به اعتقاد من تنها راه دلجویی از تمام کسانی که اینگونه منشأ خدمات بزرگی بودند و هریک به نوبه خود ستم‌های فراوانی را تحمل کردند، این است که مسئولان به مناسبت دهه فجر پس از سال‌ها غفلت از این فشر کم‌توقع و فداکار دست‌کم ترتیب ملاقات حضوری با آقا را بدهند تا آنها دردهایشان را مستقیم با کسی مطرح کنند که بی‌تردید بهتر از هر کس دیگری رنج آن را می‌داند و بیش از هر کسی به هنر و هنرمند ارج می‌نهد.



گفت و گو

گفت و گو با عباد رضا اسلامی کولایی:

بیننده خود را در متن صحنه احساس می کند

♦ مریم پرورش ♦

عباد رضا اسلامی کولایی سوابق اجرایی مختلفی داشته است از جمله معاونت اداری- مالی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان، مدیریت کل پشتیبانی شرکت بازرگانی دولتی ایران، قائم مقام و معاونت موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران و معاونت گردشگری و صنایع دستی کانون جهانگردی و اتومبیل رانی، معاونت فرهنگی و هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان هرمزگان و ریاست فرهنگسرای نیاوران. او این روزها مدیریت موزه هنرهای معاصر تهران را بر عهده دارد. به بهانه برپایی نمایشگاه آینه در آینه ۲ با او به گفت و گو نشسته ایم...

♦ در مورد چیدمان نمایشگاه هم قدری توضیح دهید؟

بدیهی ست این پرسش هم در حوزه تخصصی کیوریتور محترم است و حتماً مجتبی کوچکی شایسته پاسخگویی است اما به احترام مخاطبان نشریه تان مختصر عرض می‌کنم که تلاش شده است با رویکرد پژوهشی این نمایشگاه ارائه شود و ضمن ارائه اطلاعاتی اینفوگرافیک گونه، عکس‌ها علاوه بر اندازه واقعی، با چاپ‌های بزرگ نیز باز نشر شوند تا بیننده خود را در متن صحنه احساس کند. کیوریتور محترم به جهت نمایش عکس‌ها در موزه، به رفتار موزه‌ای هم دقت داشته و شما می‌توانید در باکس‌هایی بخشی از مستندات درباره زنده یاد قربان خلیلی را ببینید.

♦ ایده نمایشگاه آینه در آینه ۲ از کجا آمده است؟

ایده نمایشگاه از آقای احسان آقایی بوده که با همراهی شورای هنری آینه در آینه ۱ (آقایان سید مسعود شجاعی، امیر راد، غلامعلی طاهری و سید عباس میرهاشمی) تکمیل و نهایی شد. سال گذشته با محوریت مدیوم نقاشی بود و دور دوم آن پس از نشست‌های متعدد تحلیل و بررسی با محوریت عکس برپا شده است. حتماً خوانندگان محترم نشریه شما از طریق رسانه‌های عمومی اطلاع دارند که نمایشگاه آینه در آینه ۲ با کیوریتوری مجتبی کوچکی، با نمایش ۵۷ عکس از زنده یاد قربان خلیلی زیر عنوان تهران سال ۵۷ دایر شده است که تلاش دارد سال خاص ۵۷ را از زاویه دید یک عکاس تجربه‌گرا و اکاوی دوباره کند.



♦ برخی هنرمندان معتقدند برای برگزاری نمایشگاه در این موزه به راحتی نمی‌توان اقدام کرد. چه فیلترهایی برای هنرمندان لحاظ می‌شود؟

جامعه هنری از موزه هنرهای معاصر تهران انتظار دارد استانداردهای بالایی برای نمایش در نظر داشته باشد که حتما پژوهش محور بودن نمایشگاه در نخستین پلکان اولویت هاست؛ هنرمندان خواهان خوانش‌های متفاوت و به‌روز از گنجینه در گالری‌های موزه هستند و حتی اصرار دارند به صورت دوره‌ای یا حتی تاریخی نمونه‌هایی از گنجینه را در دسترس داشته باشند. خوشبختانه درهای موزه همیشه به روی ایده‌های پژوهش محور و حتی نمایشگاه‌های کیوریتریال باز است و چندین طرح از هنرمندان معاصر هم اکنون در دست مطالعه و بررسی است.

♦ سایت موزه هنوز در دست طراحی هست؟

سایت موزه هنرهای معاصر تهران بعد از دوران مرمت از دسترس خارج شد ولی از طرفی چون نگاهی هم به سایت موزه‌های جهان داریم قرار است نگاهی متفاوت داشته باشیم، یعنی چه ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی می‌خواهیم. باید آن‌ها را مشخص کنیم. راه‌اندازی سایت کاری ندارد اما زمانی بالغ بر سه ماه می‌خواهیم تا بتوانیم ظرفیتی را فراهم کنیم تا پاسخگوی نیازهای دانشجویان و هنردوستان باشیم.

♦ برنامه آتی شما برای این نمایشگاه چیست؟

برای این نمایشگاه نشست‌ها و برنامه‌های جنبی در دست طراحی است که طبیعتاً مجتبی کوچکی آن‌ها را اعلام خواهند کرد.

♦ تشکیل موزه دائمی در محل موزه چه شد؟

هر زمان موزه دائمی را تشکیل دهیم باید گردش هر شش ماه یکبار برگزار شود اما ما برنامه موزه را تا خرداد ۱۴۰۳ ارائه داده‌ایم و این امکان را نداریم که گالری‌ها درگیر شوند اما تا سال آینده، سه گالری را برای موزه دائمی در نظر می‌گیریم ♦



♦ عده‌ای معتقدند در موزه معاصر دسترسی به برخی آثار مهم به جهت دیدن میسر نیست. علت سختگیری چیست؟

اگر مقصودتان گنجینه موزه هست که در تابستانی که گذشت در قالب نمایشگاه مینی مالیسم و کانسپچوال آرت، ۱۳۱ اثر از گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران از ۳۴ هنرمند صاحب نام جهانی به تماشا درآمد که ۳۸ کار برای نخستین بار ارائه شده بود. همچنین در سال‌های گذشته آثاری از گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران در سبک‌های مختلف به نمایش در آمده است. در روزهای اخیر رسانه‌ها اعلام کردند مجسمه اینستالیشن ماهی نارنجی کالدر و جاکومنتی به فضای عمومی موزه بازگشته‌اند و انشالله به زودی سه گالری در موزه به نمایش دائمی آثار گنجینه اختصاص می‌یابد تا در کنار نمایشگاه‌های ادواری، موضوعی و پژوهشی، گنجینه هم پیش چشم علاقه‌مندان به هنر باشد. بزرگ‌ترین طیف بازدیدکنندگان از نمایشگاه «مینی مالیسم و کانسپچوال آرت» جامعه دانشگاهی بودند و برای ما مایه مباهات خواهد بود.



آینه در تصویر

نمایشگاه آینه در آینه ۲، امسال به بزرگداشت قربان خلیلی اختصاص داشت، عکاسی که با ثبت لحظات تاریخی، روایت خودش از تب و تاب خیابان‌ها را در سال ۱۳۵۷ به دست مردم رساند. آنچه در ادامه تماشا می‌کنید برخی عکس‌های اوست که امسال در نمایشگاه یادشده در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته است.







گفت و گو

محمد حسین حیدری مدیر انجمن عکاسان انقلاب:

آثارآینه در آینه ۲، گنجینه‌های تصویری انقلاب هستند

♦ سارا صادقی ♦

محمد حسین حیدری متولد ۱۳۴۱ است. او چندین نمایشگاه‌های فردی در کشور با موضوعات دفاع مقدس و طبیعت ایران برگزار کرده است. همچنین نمایشگاه‌های متعددی در سوریه، لبنان، لیبی، امارات متحده عربی و اوکراین نیز برگزار کرده است. او دبیر مسابقات عکس عاشورا، جلوه میثاق، بسیج، عکس جوان راهیان نور بوده و داوری بیش از ۱۵ مسابقه عکس را نیز بر عهده داشته است. حیدری مدرک درجه یک هنری (معادل دکتری) از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت علوم تحقیقات و فناوری دارد. او مدیر انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس هم هست. این روزها که نمایشگاه «آینه در آینه ۲» با موضوع عکس انقلاب در موزه هنرهای معاصر تهران در حال برگزاری است بد ندیدیم که با او هم کلام شویم...

♦ درباره این نمایشگاه هم توضیح بدهید.
سال گذشته نمایشگاه «آینه در آینه ۱» میزبان آثار زنده‌یاد صادقی بود و با حضور او در همین موزه هنرهای معاصر برگزار شد. امسال هم با این عنوان آثاری از زنده‌یاد قربان خلیلی به نمایش گذاشته شد. قاعدتا هر حرکت اجتماعی در زمان خودش در واقع دوره شروع هیجان آن ماجرا است. این عکس‌ها در دوره خود به لحاظ خبری آن شور و هیجانی را که نیاز بوده در سطح جامعه ایجاد کرد اما حالا بعد از یک فاصله طولانی، مثلا چیزی حدود کمتر از نیم قرن، از ثبت این تصاویر گذشته و دوره تعمق، تعقل و شعور نسبت به این عکس‌ها شروع شده و جا دارد

♦ شما در مراسم افتتاحیه نمایشگاه بودید. از این مراسم بگویید.

در آیین افتتاح «آینه در آینه ۲» در کنار محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمود سالاری معاون امور هنری، عبدالرضا سهرابی مدیرکل هنرهای تجسمی، سیدعباس میرهاشمی دبیرکل پانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر و عبادرضا اسلامی کولایی رئیس موزه هنرهای معاصر حضور داشتیم. البته خانواده زنده‌یاد قربان خلیلی عکاس انقلاب هم در این مراسم حضور داشتند. در کل مراسم خوبی بود. این نمایشگاه یکی از بخش‌های پانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر محسوب می‌شود.



♦ نمایشگاه را چطور ارزیابی کردید؟

اتفاق خوبی که در نمایشگاه «آینه در آینه ۲» افتاد این است که نحوه ارائه آثار به گونه جذابی بود و ما در واقع اگر بتوانیم آن را همیشه به همین شکل ارائه دهیم قاعدتا همیشه جذاب خواهد بود و می‌تواند مخاطب را به پای تابلو بکشد. این اتفاقی که در رابطه با این نمایشگاه رخ داد، یعنی اینکه تعداد کمی از آثار مرحوم خلیلی در این نمایشگاه به نمایش گذاشته شد، و البته نحوه ارائه آن، برای کسانی که این عکس‌ها را قبلا ندیده بودند، جذاب بود. خود شیوه ارائه توانست تعداد زیادی مخاطب را به سمت موزه رهسپار کند تا علاقه‌مندان ببینند و آن آثار را بهتر ببینند. مخاطب امروز وقتی می‌رود و پای تابلو می‌ایستد و کار را با تعمق بیشتری نگاه می‌کند به نقش پررنگ عکاس‌ها در ثبت فرازهای انقلاب و حوادث مهم پی می‌برد، اینکه یک عکاس در واقع با چه نگاهی توانسته این فرازها و حوادث مهم تاریخ کشور را به تصویر بکشد که برای آیندگان بتواند یک گنجینه تصویری باشد.

♦ کدام یک از عکس‌ها را بیشتر پسندیدید؟

تعداد کمی از آثار مرحوم قربان خلیلی را در

که پژوهشگران حوزه اجتماعی ببینند و درباره این عکس‌ها پژوهش و تحقیق کنند. الان ما اگر در این نمایشگاه عکس «نزن سرباز» را می‌بینیم به این نتیجه می‌رسیم که در دوره خودش باعث شد ارتشی که وابسته و تحت عوامل دیکتاتوری بود به خود بیاید. باید درباره چنین عکس‌هایی تحقیق کنیم و ببینیم این عکس‌ها چقدر روی حرکت بعدی ارتش تاثیر گذاشت و چقدر توانست ارتشی‌ها را به آن وظیفه اصلی و ذاتی خودشان برگرداند. این‌ها حوزه تخصصی پژوهشی است که باید در مسائل اجتماعی انجام شود. از بُعد خبری ماجرا که بگذریم، که در دوره خود تاثیرگذار بوده است، باید بگویم این آثار گنجینه‌های تصویری انقلاب هستند که الان جایگاه و ارزش خود را دارند چون سند و اسناد تاریخی هستند. ما الان متأسفانه در سطح جامعه شاهدیم که خیلی از مسائلی را که هم‌سن و سال‌های خود من در دوران انقلاب و پیش از آن دیده بودند به گونه‌ای تحریف می‌کنند. اگر به همین سبک و روال پیش برود در چند سال آینده کاملا ارزش‌هایی که برای آنها انقلابی در سطح جامعه رخ داده فراموش و مسائل کاملا دگرگون می‌شود. پس بُعد سندیت این عکس‌ها می‌تواند ارزشمند باشد.



نمایشگاه می‌بینیم اما همین تعداد کم تاثیرگذاری شرگفی بر مخاطب و قشر جوان دارد. آن‌ها وقتی پای تابلو می‌ایستند و در واقع کپشن‌ها را مطالعه می‌کنند انگار به ما گوشزد می‌کنند که باید دقت بیشتری بر حفظ آثار این حوزه تمرکز کنیم. همانطور که می‌دانید همین تعداد از آثار مرحوم خلیلی هم بسیار تاثیرگذار بوده و در پاسخ سوالاتان باید بگویم چندین عکس بود که



دوره تعمق و تعقل به این عکس‌ها شروع شده و جا دارد که پژوهشگران حوزه اجتماعی بیایند و درباره این عکس‌ها پژوهش و تحقیق کنند

باعث شد که به سمت همافران هجوم بیاورند و مردم هم در دفاع از همافران آمدند و کاری که ممکن بود پنج الی شش ماه زمان ببرد در عرض دو الی سه روز بسته شد. این می‌تواند تاثیرگذاری یک عکس باشد و ما در این حوزه هنرمندان بسیاری را داشتیم که اینگونه عکس‌های تاثیرگذار را در فرازهای مختلف انقلاب و دفاع مقدس داشتند.

برای من بسیار مفید بود، پس به این نتیجه می‌رسیم که اگر کل این آثار بود می‌توانستیم سیر تاریخی آثار را به صورت کامل ببینیم و مطمئناً با تاثیرگذاری بیشتری بر مخاطب مواجه می‌شدیم بنابراین خود این مسئله، ارزش و جایگاه حفظ آثار را نشان می‌دهد و کاری که موزه کرده در واقع یک ماندگاری را برای آثار به وجود آورد، هر چند که متأسفانه بسیاری از آثار محروم قربان خلیلی مفقود شده و شاید این شروعی باشد برای اینکه کسانی که در این حوزه کار پژوهشی می‌کنند دنبال این باشند که بتوانند آثار را پیدا کنند و این خلایبی را که الان در این حوزه هست بتوانند رفع کنند. ما عکاسان بزرگی را در حوزه دوران انقلاب داشتیم، مثل کارهایی از استاد مرحوم پرتویی، صیاد، شاندیز و دیگر استادان از این دست هستند. عزیزانی که در این حوزه کار کردند آثارشان بسیار تاثیرگذار بوده است مثلاً وقتی شما نگاه می‌کنید به آثار مرحوم پرتویی فقط یک عکس تاثیرگذار است. اعتقاد این است که اگر عکاسی در کارنامه‌اش فقط یک عکس ۱۹ بهمن را داشته باشد - همان عکس معروف استاد پرتویی - برای تمام عمر کاری‌اش کافی است. تاثیرگذاری‌ای که این عکس داشت به نظر من حتی پیروزی انقلاب را چند ماه جلو انداخت، به خاطر اینکه بعد از این عکس بود که دیالوگ بین حضرت امام (ره) و بختیار به صورت غیر مستقیم ایجاد شد و حضرت امام این عکس‌ها را تایید کردند و بختیار از اعتبار افتاد. این

♦ **خودتان چطور وارد حرفه عکاسی شدید؟**
من از سال ۵۸ و زمان درگیری در جبهه غرب کشور، در حوزه اندیشه و هنر اسلامی (حوزه هنری) فعالیت می‌کردم و از آن زمان شروع به عکاسی کردم. با آغاز جنگ از همان روزهای اول دوربینم را به دست گرفتم و به مناطق عملیاتی رفتم. عکاسی را پیش از آغاز جنگ در مدرسه عالی عکاسی «مولتی ویژن» آموخته بودم و پیش از سال ۵۸ فعالیت حرفه‌ای در این زمینه نداشتم. من از مرحله دوم عملیات بیت المقدس که به آزادسازی خرمشهر منجر شد در اردیبهشت ماه برای عکاسی وارد منطقه شدم. آن زمان وقتی وارد شهر شدیم نیروهای رزمنده، ارتش عراق را دور زده بودند و بسیاری از نیروهای عراقی در محاصره رزمنده‌های ما بودند. تعدادی از آن‌ها که در شهر بودند از دور روز قبل برای دفاع آمده بودند و وقتی با نفوذ و حضور بچه‌های ما مواجه شدند، در محاصره قرار گرفتند. خیلی از آن‌ها اسیر شدند و تعدادی دیگر نیز خودشان را به رودخانه انداختند و از آن گذشتند. بیشتر عکس‌هایی که از پوتین‌ها و کلاه‌های باقی‌مانده از ارتش عراق در خرمشهر دیده می‌شود، به فرار همین سربازها از خرمشهر مربوط است. خرمشهر نماد پایداری و مقاومت ایران است و از آزادی آن احساس خوشحالی و سرور داشتیم. من سوم خرداد در منطقه «گمرک» بودم که هنوز هم درگیری بین نیروهای دو طرف در آنجا وجود داشت. سرعت اتفاقات در این روز آنقدر زیاد بود که عکس‌هایی که از یک محل مشخص در بازه‌های زمانی کوتاه گرفته‌ام، بسیار با هم متفاوت هستند ♦



بدراس

قصه در قصبه



♦ سید امین مویدی اصفهانی ♦
مشاور برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی معاونت امور هنری

موضوع تهران ۵۷ به روایت عکس است و به‌عنوان برنامه جنبی پانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی برگزار می‌شود، شرکت کردم. عکس‌های قربان خلیلی را که می‌دیدم به یاد همان آلبوم‌های عکس‌های قدیمی مادر بزرگ افتادم. این عکس‌ها، تاریخچه تصویری این سرزمین بزرگ است که احترام دارد. مثل همان دوران کودکی، ناخودآگاه خودم را جمع‌وجور کردم و با آداب و احترام جلوی تابلوها ایستادم. توگویی کسی به همان هیمنه و شکوه و زیبایی مادر بزرگ با آب و تاب برایم دوباره روایت می‌کرد. قصه‌های پرغصه و پرافتخار این سرزمین را. با تک‌تک عکس‌ها برای تاریخ پر فراز و نشیب ایران عزیز، گریستم و خندیدم و برای روح زنده‌یاد قربان خلیلی فاتحه فرستادم. هم‌وکه با یک دوربین ارزان قیمت و غیرت و شجاعت مثال‌زدنی لحظه‌های خطر انقلاب مردم ایران را روایت می‌کند و در این مسیر پر خطر، جایی که همه فرار می‌کنند شجاعانه می‌ایستد و لحظات تاریخی را ثبت می‌کند، شب تا صبح در جوی آب می‌خوابد، توسط ساواک دستگیر می‌شود، کتک می‌خورد و پس از تحمل پانزده سال بیماری کلیوی ناشی از همان دوران سخت در پنجاه سالگی در راه میهن و هنرش می‌میرد تا زندگی و مرگش خط بطلان باشد بر پاراناسیس که هنر را برای هنر می‌خواهد. او با عکس‌هایش همواره در تاریخ ایران و در خاطره مردم می‌ماند. روحش شاد و یادش گرامی باد ♦

بی‌اغراق بهترین و جذاب‌ترین خاطره دوران کوردکی من، اعیاد نوروز در خانه مادر بزرگ است. آن زمان، وقتی شیطنت و خرابکاری را از حد می‌گذرانیدیم و مخل آسایش همه می‌شدیم مادر بزرگ صدایمان می‌زد که بیایید با هم عکس ببینیم. همه می‌دویدیم دور میز نهارخوری، دست به سینه و منظم و ساکت می‌نشستیم تا مادر بزرگ با احتیاط و آداب خاصی آلبوم‌های خانوادگی را از دولاب (کمد) صندوق خانه (پستو) درآورد تا ما برای چندمین بار، عکس‌های قدیمی را ببینیم. هر عکس، حتما قصه‌ای داشت و مادر بزرگ همیشه قصه مرتبط با هر عکس را با آب و تاب و بی‌کم و کاست برای ما تعریف می‌کرد. وقتی آن عکس‌های قدیمی سیاه و سفید را که با نظم و خلاقیت در آلبوم‌های قدیمی چیده شده بود می‌دیدیم و همراه با آن، قصه‌های مادر بزرگ را می‌شنیدیم. مانند این بود که یک فیلم سینمایی جذاب می‌بینیم. عکس‌ها علاوه بر جذابیت زیاد، توگویی احترام هم داشتند بنابراین عکس دیدن آداب و قاعده داشت همان‌طور که نگهداری از عکس‌ها، گذاشتن در آلبوم و حتی عکس گرفتن هم آداب و قاعده داشت. همه به اتفاق پذیرفته بودیم که گنجینه ارزنده و پرافتخار فامیل آلبوم‌های مادر بزرگ است که هم زیباست و هم تاریخچه تصویری خانواده است.

توفیق یارم بود که در افتتاحیه نمایشگاه آینه در آینه ۲ که متشکل از عکس‌های مرحوم قربان خلیلی با



گفت و گو با مجتبی کوچکی کیوریتور نمایشگاه آینه در آینه ۲

رویکرد فرهنگی می تواند محصولات هنری را از تخریب نجات دهد

♦ محمد سلطانی ♦

مجتبی کوچکی متولد ۱۳۵۶ که از میانه دهه ۷۰ عکاسی را شروع کرد و حدود ۴ سال به عنوان مدیرعامل انجمن عکاسان دفاع مقدس بود اکنون فعالیت پژوهشی دارد. با او که چیدمان نمایشگاه آینه در آینه ۲ را بر عهده داشته، گفت و گو کرده ایم...

همراه اطلاعات زمان و مکانی که طی سالها شناسایی شده بودند در این نمایشگاه عرضه کردم. او در ۱۵ سالگی وارد عرصه عکاسی شد. چند سالی کار آتلیه کرد و عکاسی خبری مطبوعاتی را دوست داشت. کار اصلی اش عکاسی مطبوعاتی بود. من سال ۸۳ آثار او را دیدم ولی او سال ۷۷ فوت کرده بود. بسیاری از اطلاعات عکسها مشخص نبود. در این سالها اطلاعات عکسها هم به دست آوردیم و برای آینه در آینه ۲، ۵۷ نسخه ای را که نزد من بود با همراهی بچه های جشنواره تجسمی فجر و بچه های موزه در ۹ گالری موزه به نمایش گذاشتیم. این عکسها در اندازه های بزرگ و تک نسخه کنار نسخه اصلی منتشر شدند. اطلاعات عکسها و متونی که وقایع را شرح می دهند روی دیوارهای موزه نصب شده و تقریباً یک رزومه مفصل از او در نمایشگاه موجود است، فهرست وقایعی که او در آن حاضر بود یعنی از شهریور ۵۷ تا فروردین ۵۸ که او عکاسی همه پرسی

♦ قبلا هم عکسهای مرحوم خلیلی را در معرض دید عموم قرار داده بودید؟

ابتدا باید بگویم نمایشگاه آینه در آینه امسال اختصاص دارد به یک هنرمند ناشناس به نام مرحوم قربان خلیلی که حدود ۱۲۴۱ اثر از او یافته شد، که همان آثار در پایان دهه ۸۰ مجدداً مفقود شد. بنده این هنرمند و آثارش را اوایل دهه ۸۰ پیدا کردم و برخی آثار او را در قالب یک نمایشگاه کوچکی در خانه عکاسان ایران به نمایش گذاشتم. امسال قرار بود در جشنواره هنرهای تجسمی فجر بخش آینه در آینه به عکاسان اختصاص پیدا کند. در همین راستا به بنده پیشنهاد کردند که آنجا نمایشگاهی را درباره انقلاب بنا کنم چون کار قربان خلیلی و تعدادی از کارهایی که حدود ۵۸ اثر بود داشتم. بنابراین نمایشگاه را با ۵۷ اثر برپا کردم، این آثار را در اندازه های بزرگ بازسازی کردم و همراه اطلاعاتی که از این هنرمند جمع کرده بودم - در کجای تهران عکاسی کرده، چه روزهایی -



برای همین توجهم به او جلب شد که چه کسی بوده و آثارش کجاست، اما در مقطعی که کارم را انجام و این عکاس را معرفی کردم، دیگر خیالم راحت شد. اما همان موقع کارهای او در وزارت ارشاد مفقود شد و این نسخه‌هایی را که نزد من بود بعد از چند سال به نمایش گذاشتم.

جمهوری اسلامی هم انجام داده بود. او در ۲۲ واقعه بزرگ حاضر بود که پراکندگی آن روی دیوار برای نمایش هست که می‌شود از آن نسخه برداری کرد و در کنار این نمایشگاه هم فیلم سینمایی کمتر دیده شده از عکاسان و فیلمبرداران انقلاب به نمایش گذاشته شده و چند نشست تخصصی هم برگزار می‌شود.

♦ گفتید که سعی کردید برخی آثار را که دارند خراب می‌شوند یا از بین می‌روند نسخه‌برداری و بزرگ کنید و به معرض نمایش بگذارید. اما هستند آثاری که نشود کاری برایشان کرد؟

این موضوع فنی است اما مسئله این است که یک رویکرد فرهنگی می‌تواند محصولات هنری را از تخریب نجات دهد. آن رویکرد فرهنگی توجه و نشر است که کار را می‌برد به سمت اینکه کلکسیونر، محقق هنرمند، مرمت‌کار و دیگران به موضوع مورد نظر که در حال تخریب است توجه می‌کنند که باید برای آن وقت بگذارند. این پروسه فنی است اما مسئله بیشتر رویکرد فرهنگی است. مثل ساختمان ۷۰ ساله‌ای که الان در تهران توسط معمارها خریده می‌شود و بازسازی و تبدیل به کافه، گالری و فروشگاه

♦ تکلیف عکس‌هایی که پیدا نشده‌اند چه می‌شود؟ در مقطعی موجود بودند، البته زمانی که ما روی آنها کار کردیم و زمانی که نزد دوستانی بود که روی آن کار می‌کردند ناپدید شدند و الان هم خبری از آن نیست. فقط آن ۵۷ نسخه‌ای که نزد من است موجود است که در اختیار آرشیو شخصی‌ام است.

♦ این علاقه‌مندی از کجا شکل گرفت که آثار مرحوم خلیلی را جمع‌آوری کنید؟

من عکاس هستم و اصولاً پروژه‌هایی را که در حال از بین رفتن است پیگیری می‌کنم. یکی از پروژه‌هایی که سال ۸۳ به آن برخورد کردم پروژه مرحوم خلیلی عکاس ناشناسی بود که یکی از عکس‌ها و واقعه‌های خیلی معروف انقلاب اسلامی را عکاسی کرده بود.



کتاب یا هر چیز دیگری می‌شود. به این آثار چون توجه می‌شود می‌روند سراغش تا نجاتشان دهند چرا که در حال تخریب است. هر چیزی که از چشم دور می‌ماند و توجهی به آن نمی‌شود و هیچ وقت نشر داده نمی‌شود از چشم‌ها دور می‌ماند و کسی هم روی آن کار نمی‌کند مگر اینکه محقق یا کلکسیونری تصادفاً با آن برخورد کند. تنها راهش به نظر من نشر است. هیچ راه دیگری ندارد.

♦ چیدمان عکس‌ها برچه اساسی است؟

چون ما مجبور بودیم از این ۵۷ عکس استفاده کنیم یعنی قدرت انتخاب بیشتری نداشتیم مجبور بودیم این ۵۷ عکس را به ترتیب تاریخی و موضوعی نزدیک کنیم. برخی اتفاقات در مقطع انقلاب اتفاقات بزرگی بودند که عکس‌های مکرری از آن گرفته شده است، مثل دیدارهایی که مردم با امام داشتند. ما هرچقدر در این پروژه می‌خواستیم حجم کار را کم کنیم به این نتیجه می‌رسیدیم که عکس‌های کمتری به نمایش می‌گذاریم برای همین خساست نکردیم و ۵۷ عکس را برای نمایش چیدیم و برای آنها مکان، زمان و اطلاعات نوشتیم. حتی برای برخی واقعه‌ها متن نوشتیم که کسی که واقعه را می‌بیند بداند که در آن ۵۷ چه اتفاق افتاده و منجر به این اتفاق شده است. مثلاً در دانشگاه تهران این اتفاق برای دانشجویان افتاده و پاره‌متن‌هایی هم کمک کرده که این روایت روایت متوالی و پیوسته باشد. قاعدتاً مرحوم خلیلی هم عکاسی بوده که بیشتر با سرمایه شخصی کار می‌کرده. البته ما برخی وقایع را داریم که خلیلی در آن حضور نداشته.

♦ برگزاری اینگونه نمایشگاه‌ها چه کمکی به هنرهای تجسمی می‌کند؟

مسئله موضوع انقلاب اسلامی نیست. رویکرد ما در عکس‌ها تاریخی است اینگونه نبوده که الزاماً سراغ انقلاب اسلامی برویم. رویکرد من نسبت به همه این آثار چه در مورد مقاطع نهضت انقلاب

اسلامی و چه ماقبل آن انقلاب مشروطه، جنگ جهانی اول و دوم، کودتای ۳۲، ملی شدن صنعت نفت و مقاطع بزرگ تاریخی، اصلاً نگاه ایدئولوژیک نبوده. این‌ها عکس‌های تاریخی این سرزمین هستند و تجربه تاریخی که به ما می‌دهند برای اتفاقات پیش رو بسیار کارساز است. الان اگر یک عکاس مطبوعاتی، رسانه‌ای و مستندنگار بخواهد فضای زندگی و زمانه امروز را ثبت کند قاعدتاً نباید به رویه قبل عمل کند. این یک کارکرد تقریباً تربیتی و آموزشی است اما موضوع مهم سیر تاریخی زیبایی‌شناسی هنرهای تجسمی و هنرهای نوپا مثل عکاسی است. عکاسی در ایران و فرایند اجتماعی شدنش به سش نمی‌خورد. ما ۲۰ سال است که عکاسی داریم اما صدسال درگیر فرایند اجتماعی شدن هستیم یعنی از انقلاب مشروطه ما با نمایش این آثار روند اجتماعی شدن را مرور می‌کنیم. اساساً چرا عکس‌های مشروطه را می‌بینیم؟ می‌خواهیم چه چیزی را ثابت کنیم؟ شاید برای مخاطب عام یک کارکرد دارد و برای مخاطب تخصصی کارکردی دیگر. محققان و پژوهشگران هم از آن یک برداشت دارند و متخصصان، فیلمسازان، عکاسان و غیره هم برداشت دیگری دارند. این‌ها با هم فرق دارند و تجربه نهفته در این نوع نگاه‌ها هم متفاوت است.

♦ برای اینکه جوانان بتوانند این هنر را حس کنند چه کار باید بکنیم؟

شما مادامی که با محصول هنری رفتار تبلیغی و ترویج می‌کنید این نگرانی همراهش است، مادامی که ما نگران فراموش شدن انقلاب اسلامی هستیم و به واسطه عکس‌ها می‌خواهیم انقلاب اسلامی را یادآوری کنیم این نگرانی را داریم اما به نظر من اینگونه نباید باشد. باید رویکرد را عوض کرد. این آثار تاریخ اجتماعی این سرزمین‌اند و مادامی که رویکرد و تحلیل اجتماعی کنارشان نشیند، مجبوریم که از آن‌ها فقط کارکرد تبلیغی انتظار داشته باشیم. اما به محض اینکه رویکرد اجتماعی کنارش می‌نشیند کارکرد جدید پیدا می‌کند ♦



اوست تصویرگر یگانه



♦ مجتبی آقایی ♦
عکاس

آینه در آینه. چه نام نیکویی! آینه، عنصری که راست می‌نمایاند پدیده‌ها را. و عکاسی که چه قرابتی دارد با آینه، با این رجحان اما که آنچه در آن بازتاب می‌شود می‌ماند و پایدار. عکس‌های خبری در لحظه وقوعشان موید خبری هستند که آن را و می‌نمایانند و سندی برای پیام. هرچه زمان بر آن می‌گذرد اما گوهرهایی می‌شوند یگانه در دفینه و گنجینه تاریخ. هرچند گذر ایام ظاهر آنها را کهنه می‌سازد لیک، قدر و بهایشان افزون می‌شود و گران. تاریخ اجتماعی هر قومی شکل گرفته از فراز و فرودها و رخدادهای ریز و درشت است. و ناگزیر همین‌ها بخش مهمی از هویت تاریخی و تمدنی هر قومی را شکل می‌دهند و سامان. متون و منابع علمی منظور از تاریخ را مجموعه رخدادهای فرهنگی، طبیعی، اجتماعی، اقتصادی که در گذشته و در زمان و مکان زندگی انسان‌ها و در رابطه با آن‌ها رخ داده تعریف کرده است. تاریخ معرفتی ناظر به وقایع و درک پدیده‌های ذکر شده است که در ذهن تاریخ‌نگار شکل می‌گیرد. به دیگر بیان، رویداد (تاریخ)، موقعیتی هستی‌شناختی دارد و تأویل و فهم از رویداد (علم تاریخ) دارای موقعیتی شناخت‌شناختی است. برخی اندیشمندان تاریخ را بازگو کردن کلیه اعمال گذشته انسان می‌دانند، به گونه‌ای که نه تنها در جریان وقایع قرار می‌گیریم، بلکه علت وقوع آن حوادث را نیز باز می‌شناسیم. به عبارت دیگر، هدف تاریخ علاوه بر اینکه معرفت به افراد انسان است، آگاهی به روابط اجتماعی او در گذشت روزگار نیز هست. پژوهشگرانی که درباره تاریخ می‌نویسند، تاریخ‌نگار نامیده می‌شوند. هرچند غالباً این رشته مطالعاتی را در زیرگروهی از علوم انسانی یا علوم



اجتماعی قرار داده‌اند تاریخ‌نگاران از گذشته کوشیده‌اند تا پرسش‌های تاریخی را با پژوهش در اسناد نوشتاری و اقوال و احوال پاسخ گویند. با این حال پژوهش‌های تاریخی تنها به این منابع محدود نمی‌شوند. به‌طور سنتی هر دو سنت تاریخ‌نگاری مکتوب و تاریخ‌نگاری شفاهی، سعی در پاسخ به پرسش‌های تاریخی از طریق مطالعه اسناد مکتوب و گزارش‌های شفاهی دارند. و هرچند منابع علمی تاریخی را سه گروه منابع مکتوب، منابع منقول و منابع مادی دانسته‌اند و تاریخ‌نگاران اغلب از هر سه مورد استفاده هر چند که ظاهراً در این میانه توجه بر متون و نوشتارها متمرکزتر است.

با به عرصه آمدن عکاسی، انقلابی بزرگ در عرصه وقایع نگاری رخ داد و وقایع نگاران در کنار منابع مکتوب و منقول و مادی آئینه‌ای تمام‌نما و راست‌نما یافتند و معرفتی که پیش از این ناظر به درک ذهنی پدیده‌ها بود به برشی بی‌بدیل از عینیت و متن آشکار و مصور مجهز شد. و چه دستاوردی متقن‌تر از این که وظیفه ارتقای گفتمان و منابع تاریخی که می‌تواند بیش‌ترین استفاده مفید را برای تولید علت‌های دقیق گذشته بیان کنند به دست داد. از دیگر سو عکاسی عنصری است بی‌بدیل در عرصه هنر. آنگاه که عینیت و ذهنیت و ساختار هنر مندانه به تصاویر شکل و هویتی افزوده بر بازنمایی رخداد می‌دهد.

و چنین است که امروزه آثار عکاسی در نقبی که بین هنر، تاریخ و فرهنگ بشری زده می‌شود جایگاهی ارزشمند یافته و کم‌نظیر که خود زمینه رسانه‌هایی فراگیر شده است و متکثر. به نحوی که روابط انسان‌ها و جوامع عصر حاضر را دچار چنان دگرگونی‌ای کرده است که مثالش را در تاریخ نمی‌توان سراغ کرد.

نمایشگاه آینه در آینه را در این مسیر تلقی می‌کنم. به ویژه که در مکان مهم و با هویت پررنگ هنری مانند موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش درآمده است. همواره به ضرورت توجه جدی و همتی بایسته که از مدار شعار و رسوم اداری فراتر رفته بر جمع‌آوری، تدوین و نگهداشت ساختارمند و البته ارائه درخور شان اسناد مصور سرزمینمان و نکوداشت و گرامیداشت خالقان آنها تاکید داشته و در حد وسع بدان پرداخته‌ام. هنرمندانی که بی‌هیچ ادعایی تاریخ‌نگاران مصور ارزشمندی هستند که هر ورق از اسناد تاریخیشان دفتری است از معرفت و تاریخ اجتماعی ما. اوراقی که وجه تاریخی‌شان آمیزه‌ای دلنشین دارد از هنر و هنرنمایی.

امید دارم که در کنار مناسبت‌ها و برخوردهای مناسبتی این گونه اسناد را بهینه‌تر و کاربردی‌تر و والاتر ارج بنهیم هر چند که مناسبت‌ها نیز بستر ارزشمند و مغتنمی هستند برای نیل به این هدف ♦



روایتی آشنا در آینه تصویر



♦ سعید فلاح‌فر ♦
عکاس و نقاش

نمایش گذاشته است. این چندمین نمایشگاهی است که آن وسوسه کهنه را زنده کرد. مجموعه‌ای که انتظار داشتم خاطرات کودکی، مطالعات تاریخی و روایت‌های مختلف را در یک واقعیت و حقیقت مشترک به هم متصل کند. اگرچه باید اعتراف کرد، نمایشگاه با تاثیر کاربردی و تاریخی اولیه این آثار تفاوت زیادی داشت. تا جایی که شاید به جرئت بتوان مدعی شد که این عکس‌ها تفاوت ماهوی با آنچه سال‌ها پیش بوده‌اند، دارد. برایم جذاب بود که مخاطب همزمان با انتشار این عکس‌ها در روزنامه‌ها، چه برداشت و تعبیری از روایت هر عکس داشته یا به چه نکاتی توجه می‌کرده است؟ عکس و مخاطب تا چه اندازه به آینده این عکس‌ها فکر می‌کردند؟ همزادپنداری مرا به هیجان‌وami داشت.

هنر معاصر چنان با زمان و مکان نمایش و فضاهای مرتبط با اثر درآمیخته است که تصور هنر - به تمام معنا - بدون فرض این عوامل غیرممکن است. از همین رو نمی‌توان به این عکس‌ها نگاه کرد بدون این‌که قرائت پیش‌آمده بین نشر عکس در روزنامه و هم‌زمان با التهابات انقلاب را - به اجبار - از قرائت همین عکس‌ها در فضای معناداری مثل موزه هنرهای معاصر تهران جدا کرد. وقتی در اوج رویدادهای اینچنین به صفحه اول روزنامه‌ها روی

تهران ۵۷ برای هر کسی به شکلی تداعی می‌شود. نسلی از مردم ایران در روزهای پراشتهاب انقلاب اسلامی همراه آن رویدادها بودند یا حداقل سن و تجربه آن‌ها تصویر قابل درکی برای آنها ایجاد می‌کرد. نسل جوان امروز هم خاطره مستقیمی از آن روزها ندارند و تجربه خود را از میان متون و روایت‌های رسانه‌ای و کتب درسی به دست آورده است. من اما به نسل متفاوتی تعلق دارم. کودکی‌ام در محله‌ای بود که دائم و از نزدیک می‌توانستم راهپیمایی‌های انقلابی و حضور ارتش در خیابان‌ها، سنگرها، شعارها و غیره را ببینم و بشنوم. شاهد رفت و آمد و هیجانات بزرگ‌ترها باشم. اما هنوز درکی از اوضاع اجتماعی نداشتم. تصاویر و تجربه‌های محوری از آن روزها دارم درحالی‌که قادر به تحلیل آنچه می‌دیدم، نبودم. نسل ما شاید به همین دلیل، بیشتر از دیگران درباره انقلاب اسلامی ۵۷ پرسش داشته باشد. تلاش ما برای انطباق دیده‌های خام و منابع تاریخی همیشه با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود. برای چنین منظوری هیچ چیز نمی‌تواند به اندازه دیدن عکس‌های تاریخی و مستند، وسوسه‌انگیز باشد. شاید علاقه شخصی من به تاریخ و عکاسی هم در این گرایش بی‌تاثیر نباشد.

موزه هنرهای معاصر تهران در نمایشگاه «آینه در آینه ۲» تهران ۵۷ را به روایت عکس‌های قربان خلیلی به



عکس‌ها تزئینی است.

می‌بینم به انبوه پرسش‌های قبلی اضافه می‌شود. به نظرم عکس‌ها عوض می‌شوند. قهر می‌کنند. عاشق می‌شوند. بالغ می‌شوند. دل می‌دهند. دلگیر می‌شوند. پیر می‌شوند. اما به سختی می‌میرند.

از طرفی بررسی استقبال مخاطب - اعم از علاقه‌مندان هنر و مخاطبان حرفه‌ای موزه هنرهای معاصر یا مخاطب علاقه‌مند به تاریخ و رویدادهای انقلاب اسلامی - می‌تواند به نتایج مهمی منجر شود. نگاه بی‌رویه مصرفی و تبلیغاتی به چنین عکس‌هایی در رویدادهای مناسبی در طول سال‌های گذشته، آشکارا بخشی از چنین سرمایه اجتماعی را مخدوش کرده و شاید بر موقعیت موزه هنرهای معاصر تهران هم موثر باشد. فراموش نکنیم با مفهومی که از هنر معاصر می‌شناسیم؛ موزه هنرهای معاصر محل

پیشخان دکه نگاه می‌کنید، چیزی خواهید دید که شبیه دیدن همان عکس روی دیوار نمایشگاه نیست. نیروی اجتماعی و تاثیرگذار عکس‌های خبری و رسانه‌ای، در این قرائت جدید، جایش را به نوعی تاریخ‌نگاری داده است. احساسات انقلابی و نقش خبری به قوت روایت روزنامه در زمان انتشار نیست. اما در عوض تمام نشانه‌های تاریخی و به‌خصوص اشارات نوستالژیک برای نسل میانه به حداکثر جذابیت تبدیل شده‌اند. بازدیدکننده در میان ساختمان‌ها دنبال نشانی امروز خیابان‌ها می‌گردد. لباس‌ها و چهره‌ها دنبال می‌کند. سعی می‌کند ترکیبات اجتماعی را از روی نشانه‌ها تشخیص دهد. به این ترتیب در عوض اغناء در پرسش‌های تاریخی، سوالات تازه‌ای از مقایسه عکس‌ها با آنچه در کودکی دیده بودم و مخصوصاً با آنچه این روزها



گفت‌وگوی هنری بین اثر، هنرمند، مخاطب، منتقد و غیره در یک بستر اجتماعی است و نه نمایش صرفاً فیزیکی آثار. (قطعاً منظور از «گفت‌وگو» مرادده‌ای محدود به یک ارتباط متنی یا کلامی نیست).

با مرور کلی عکس‌های خلیلی در این نمایشگاه می‌توان به این نتیجه رسید که آثار نمایشگاه - حتی در قیاس با سطح عکاسی خبری دهه پنجاه - از قوت عکاسانه فوق‌العاده‌ای برخوردار نیستند. به ویژه که این مجموعه به لحاظ تنوع موضوعی و جغرافیایی و بازه زمانی رخدادها هم چندان غنی محسوب نمی‌شود. به عبارتی تعداد تصاویر عکاسانه کمتر از تعداد انگشت‌های دست است. عکس‌ها تنها به منظور گزارش تصویری و ژورنالیستی تهیه شده و در مواردی نقش تهییجی آنها مورد توجه قرار گرفته‌اند. به وضوح جای تلاش برای نگاه هنرمندانه یا میل به خلق تصاویر خاص در آثار خالی است و ساده‌ترین شیوه نگاه و روایت عامیانه، بدون نگاه شخصی عکاس، به کار رفته است. آنچه این تصاویر را ارزشمند می‌کند، بیشتر

مربوط به وقایعی است که آن سوی دوربین اتفاق می‌افتد. عکس‌های بیشتر مدیون حضور عکاس و موضوعات بیرونی بوده و چندان به نگاه هنرمندانه عکاس متکی نیست. البته برای یک نگاه پرسشگر - چنان که در مورد نسل میانه گفته شد - اغلب این عکس‌ها سرشار از نکته‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی است که با اندکی دانش و تکاپو قابل استخراج است. نمی‌توانم این حسرت و غبطه را نسبت به این نسل پنهان کنم که در آن دوره عکاس‌های خبری یا عکاس‌های مستند اجتماعی چقدر راحت‌تر و بدون قوانین دست و پاگیر امروزی می‌توانستند در رویدادهای خیابانی حضور پیدا کنند. خصوصاً در مقابل قابی از این نمایشگاه که تصویر یکی از این عکاسان را با دو دوربین عکاسی و بالای تیر چراغ راهنمایی رانندگی ثبت کرده است. دیگر اینکه گم‌شدن عکس‌هایی که برگزارکنندگان در مراسم افتتاحیه و گفت‌وگوهای رسانه‌ای چندین بار به آن اشاره کردند، برای جامعه هنری و برای علاقه‌مندان به تاریخ معاصر به شدت تعجب‌برانگیز است ♦



یادداشت

سواد عکاسی جامعه را ارتقا دهیم



♦ محسن خزایی ♦
خبرنگار و منتقد

و روزنامه‌های ما بتوانند بدون عکاسان خبری به حیاتشان ادامه دهند تصویری محال است به همین دلیل فکر می‌کنم باید بیش از هر زمان دیگری به قوام و دوام عرصه عکاسی خبری فکر کنیم. عکاسی خبری نوع دیگری از روایت است که سراسر تر از کلمات، حداقل در زمان ما که مردم کمتر علاقه دارند به مطالعه کردن، می‌تواند تاثیرگذار باشد و این یعنی لزوم تغییر نگرش جامعه و مسئولان به این مقوله هنری. باید این نگرش تغییر کند که عکاس خبری لزوماً کسی است که در یک نشست خبری شرکت می‌کند و به پوشش خبری آن رویداد کمک می‌کند، عکس می‌گیرد و فهم بهتر فضا را کامل‌تر می‌کند.

باید بدانیم که عکاس خبری کسی است که در هر ساعت شبانه‌روز در جامعه حضور دارد و رویدادهای مغفول را به تصویر می‌کشد. با این دیدگاه می‌توانیم به حضور هر چه بیشتر عکاسان خبری در جامعه کمک کنیم، شرایط فعالیتشان را را تسهیل کنیم و فضایی را به وجود آوریم که سطح سواد عکاسی جامعه ارتقا یابد. ما باید به این فهم برسیم که حضور عکاسان خبری در جامعه، یعنی گردش راحت‌تر اطلاعات و این میسر نمی‌شود جز به ارتقای سواد عکاسی جامعه، یعنی بیشتر دیدن و بیشتر خواندن حول سرزمین وسیع عکاسی.

برگزاری نمایشگاه‌هایی مانند نمایشگاه آینه در آینه، دست کم این حسن را دارد که نسل جوان می‌تواند با پیشینه تاریخی کشورش آشنا شود. به زبان ساده این راه آشنایی که بیشترین تاثیر را دارد بر ذهن و خاطره افرادی که شاید زمان زیادی ندارند که مطالعه کنند و به اطلاعات تاریخی دست یابند. این شیوه استحصال اطلاعات به‌رغم این که با تار و پود عکاسی گره خورده اما همچنان مغفول است و شاید یک دلیلش این باشد که ناشران، اقبال کمتری دارند که کتاب‌های عکاسی را چاپ کنند. این جا منظورم این نیست که کتاب‌های عکاسی لزوماً به کتاب‌هایی اختصاص داده شوند که سراسر عکس هستند، که البته آن‌ها هم در جای خودشان بسیار مهم هستند و لازم، اما کافی نیستند. ما برای این که بتوانیم طیف مخاطبان جوان را با عکاسی و مفاهیم عمیق آن آشنا کنیم باید به نشر کتاب‌های علمی عکاسی نیز روی بیاوریم. وقتی نمی‌توانیم سواد عکاسی جامعه را ارتقا دهیم، وقتی تعداد نمایشگاه‌های عکاسی طی سال کم است، وقتی بازدید مردم از همان عده قلیل نمایشگاه‌ها بسیار اندک است، نمی‌توانیم به آینده عکاسی، خاصه عکاسی خبری امیدوارم باشیم. عکاسی خبری ما طی دهه‌های اخیر رشد چشمگیری داشته و شاهد آن، جوایز و عناوینی است که نصیب عکاسان خبری شده است. تصور این که خبرگزاری‌ها